

### فصلنامه تاریخ اسلام

سال پنجم، بهار ۱۴۸۳، شماره مسلسل ۱۷، ص ۷۹ - ۹۴

## رسمی شدن کیش اسماععیلیه و تأثیرات آن در مصر عصر فاطمی

\* دکتر فاطمه جان احمدی

فتح مصر در سال ۳۵۸ قمری به رهبری المعز الدین الله چهارمین امام خلیفه فاطمی و با همت و تلاش جوهر صقلی سردار و فادر وی به بار نشست. به دنبال انتقال مرکز خلافت فاطمیان از مغرب به مصر و تأسیس نهادهای علمی و مذهبی جهت ترویج کیش اسماععیلیه این مذهب در مصر رسمیت یافت و مدت ۲۰۹ سال سایه‌های اقتدار سیاسی و مذهبی خلافت فاطمیان بر مصر و مناطق تحت سلطه گسترشیده شد.

دیربایی و استمرار خلافت فاطمیان و ثبت ارکان قدرت سیاسی و نظامی ایشان که ارتباط تنگاتنگی با رسمیت یافتن مذهب اسماععیلیه داشته است، این سوال اساسی را پیش می‌آورد که رسمیت یافتن کیش اسماععیلیه چه تأثیری بر ساختار قدرت خلافت فاطمیان داشته است؟

در این مقاله تلاش شده است که در دو حوزه نظر و عمل ضمن پرداختن به تأثیرات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مذهب اسماععیلیه، نتایج و پیامدهای رسمی شدن این کیش در مصر بررسی گردد.

واژه‌های کلیدی: مصر، اسماععیلیه، فاطمیان، المعز لدین الله، قاهره، الازهر.

فتح مصر در سال ۳۵۸ قمری / ۹۷۹ میلادی توسط سردار فاطمی جوهر صقلی<sup>۱</sup> و تأسیس دارالهجرة القاهرۃ المعزیۃ<sup>۲</sup> سرآغاز جدایی تاریخی خلافت عبیدیان مغرب از فاطمیان مصر بود.<sup>۳</sup> بنابر آرای محققان تاریخ فاطمیان، فعالیت فقهی و جذی علمای اسماععیلیه با عزیمت المعز لدین الله، چهارمین امام خلیفه‌ی فاطمی به مصر در سال ۳۶۲ قمری / ۹۸۳ میلادی، سامان گرفت.<sup>۴</sup>

با انتقال خلافت فاطمیان از مغرب به مصر، تمامی اعتبار مذهبی و ساختار سیاسی خلافت فاطمیان، هر چند اندک و محدود، به آن‌جا منتقل شد. امام خلیفه‌ی فاطمی نیز با استعانت از داعی الدعا و قاضی القضاة متبحر خود، قاضی نعمان، به نشر دعوت اسماععیلیه مبادرت ورزید. در این فرصت به دست آمده، بیشتر عزم محققان و علمای اسماععیلیه برای تبیین و تشریح و تبلیغ رسمی آیین اسماععیلیه جزم گردید. این تلاش بی‌وقفه، زمانی توانست به بالاترین حد خود برسد و بهترین ثمرات را به بار آورد که کیش اسماععیلیه در تمامی مناطق تحت نفوذ، پیروان متعددی را به خود اختصاص داد و در سرزمین مصر، به عنوان کیش رسمی، مورد اعتنا و اعتبار قرار گرفت. همین روند به پیدایش جامعه‌ی مذهبی اسماععیلیه انجامید و مذهب اسماععیلیه با همه‌ی زوایای خود، در مصر نهادینه شد و توانست به نظام اخلاقی و تبعیتی دینی - هرچند کوتاه مدت - بیانجامد.

اعلان رسمی کیش اسماععیلیه در مصر، ضمن تقویت و تثبیت نفوذ و سیادت مذهبی علماء و فقهاء اسماععیلی بر همه‌ی ارکان و تشکیلات سیاسی خلافت فاطمیان، رهبریت جامع امام فاطمی را نیز در بی داشت. از این پس اقتدار انحصاری امام فاطمی بر همه‌ی جا سایه افکند. در بیشتر منابع این دوره، آثار این تحول عظیم مذهبی و سیاسی و همه‌گیر شدن سیادت همه‌ی جانبه‌ی کیش اسماععیلیه مشهود است. اگر چه در این فرایند هرگز فاطمیان اتباع سنی مذهب خود را مجبور به قبول مذهب اسماععیلی نکردند، اما در نتیجه‌ی تبلیغات وسیع و سازماندهی شده توسط داعیان مبزر و کارآمد، تعداد زیادی به کیش جدید که رنگ و بوی کهن و اصولی خود را کماکان دارا بود، گرویدند. با این توضیح شاید بتوان با یک تقسیم بندی کلی، مهم‌ترین تأثیرات رسمی شدن این کیش را در دو حوزه‌ی نظر و عمل خلاصه نمود:

### تأثیرات رسمی شدن مذهب اسماععیلیه در حوزه‌ی نظر

بی‌شک هر عقیده‌ی مذهبی در حوزه‌ی نظر با آنچه در ظهور عملی از آن مستفاد می‌شود، متفاوت است؛ زیرا عقاید معمولاً در طی گذر از حوزه‌ی نظر به حوزه‌ی عمل، دچار تحول و تقلیل و گاهی دگرگونی می‌شوند. توفیق در عملی کردن آرمان‌های یک عقیده‌ی مذهبی، مستلزم نوعی دلبستگی مجدویانه و تلاش خالصانه و در نهایت کف نفس و از خود گذشتگی در میان پیروان آن می‌باشد.

دارا بودن خصایص کاریزماتیک رهبری نهضت اسماععیلیه و ارتباط تنگاتنگ امام فاطمی با طبقات و اقسام زیرین اجتماعی و آنان که در معرض سیادت کاریزماتی او قرار می‌گرفتند و وجود نوعی سرسپردگی نسبت به امام اسماععیلی، موجب شده است تا تحقق مبانی نظری کیش اسماععیلیه، با سرعت بیشتری صورت گیرد. در این میان نقش خداوندان خرد و اندیشه‌ی اسماععیلی و داعیان اندیشمند فاطمی، در اشاعه‌ی فرهنگ و نشر مبانی اعتقادی شیعه‌ی اسماععیلی در میان مریدان و پیروان، بسیار بارز و حائز اهمیت است. از آن جاکه این جماعت ارتباط تنگاتنگی با پیروان و اقسام عمومی جامعه داشتند، می‌توانستند به انحصار مختلف، ضمن تقویت نهضت کاریزماتیک اسماععیلیه، اعتقادات این کیش را به مریدان منتقل نموده و ضمن بالا بردن وجاهت کاریزماتیک و تقدس امام فاطمی، منزلت رهبر اسماععیلیه را در نزد شیعیان و اتباع بالا ببرند و به امام جایگاهی قدسی و علوی بینشند.<sup>۵</sup>

#### الف) تأثیرات مذهبی

۱. معنا بخشیدن به موقعیت کاریزماتیک امام فاطمی؛<sup>۶</sup>

۲. تقویت و تحکیم نفوذ فقهی و علمی اسماععیلیان؛

۳. ایجاد وحدت دینی با طرح مناسک و مراسم مشترک؛<sup>۷</sup>

۴. تأسیس و حمایت از بنیادهای دینی و مذهبی، همچون دارالعلم و دارالحکمه؛<sup>۸</sup>

۵. پاسخ‌گویی به نیازهای دینی، به ویژه در مجالس تعلیمی و غیر تعلیمی؛<sup>۹</sup>  
عربی‌ریزی ارکان خلافت بر بنیاد اندیشه دینی.

#### ب) تأثیرات سیاسی

۱. ایجاد و تقویت مشروعيت ائمه فاطمی؛
۲. تضعیف پایگاه منهجی و سیاسی خلافت عباسیان در بغداد؛
۳. تضعیف پایگاه سیاسی امویان اندلس؛<sup>۱۰</sup>
۴. ایجاد وحدت میان ارکان سیاسی خلافت فاطمیان؛
۵. محوریت بخشیدن به رهبری یگانه و بلامنازع خلفای فاطمی؛
۶. تقویت کارکرد سیاسی حکومت فاطمیان؛
۷. کاهش فشارهای سیاسی گروههای مخالف درونی.

#### ج) تأثیرات اجتماعی و فرهنگی

۱. ایجاد و طرح ارزش‌های مشترک دینی؛
۲. ایجاد و تقویت حسن تعاون و تعامل میان مردم؛
۳. پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی با توضیحات و توجیهات مذهبی؛
۴. گرد آوردن مردم پیرامون کانون دین، به ویژه مذهب اسماععیلیه؛
۵. کنترل رفتار اجتماعی مردم در جهت تحکیم بنیاد سیاسی خلافت فاطمیان؛
۶. ایجاد وفاق ارزشی میان مردم و گروههای مذهبی.

### تأثیرات رسمی شدن مذهب اسماععیلیه در حوزه‌ی عمل

بنابر آموزهای اسماععیلیه، دین ساحتی سلسله مراتبی دارد<sup>۱۱</sup> و بر همین اساس امام خلیفه‌ی

فاطمی به عنوان برگزیده‌ی خداوند و نایب و جانشین پیامبر اکرم(ص) و وصی او علی(ع)، در رأس هرم قدرت سیاسی آن قرار می‌گرفت. مهم‌ترین تأثیر سیاسی این ساخت سلسله مواتیبی، وحدت مهان قوای چندگانه‌ی سیاسی، تبلیغی، تبشيری و تعزیری فاطمیان بود، که در رأس آن امام خلیفه‌ی فاطمی به عنوان رکن رکین مذهبی و سیاسی قرار داشت.

از آن‌جا که خلافت امامان فاطمی دارای ابعاد مذهبی بسیار قوی‌ای بود و مبنای تئوکراتیک داشت، منابع قدرت خلافت نیز در ساختار دینی و سیاسی آنان معنا پیدا می‌کرد. از این رو موقعیت قدرت خلافت شدیداً باکارکرد دینی، پیوند داشت و این ارتباط و پیوند به دلیل وجود مذهب اسماعیلیه بود؛ مذهبی که با مؤلفه‌های قوى، همه‌ی فعالیت‌های سیاسی و غیر سیاسی را تحت نفوذ خود داشت. بنابراین، ساختار سیاسی حکومت تئوکراتیک فاطمیان را می‌توان از دوره‌ی المعز لدین الله (۲۶۵-۲۴۱ق)، چهارمین خلیفه‌ی فاطمی مغرب و نخستین امام خلیفه‌ی فاطمی مصر (۲۶۲-۲۶۵ق)، تا پایان خلافت هشتمین خلیفه‌ی فاطمی و هجدهمین امام اسماعیلی، المستنصر بالله (۴۲۷ق) که اقتدار وزرا شکل می‌گیرد، به دو دوره‌ی کلی تقسیم کرد؛ دوره‌ی نخست از سال ۴۲۲ق تا سال ۴۲۷قمری می‌باشد، که به دلیل متمرکز بودن قدرت نزد امام فاطمی، ساختار سیاسی حکومت از سادگی تشکیلات برخوردار بود و دوره‌ی دوم نیز از سال ۴۲۷قمری تا سال ۴۸۷قمری (یعنی پایان خلافت المستنصر بالله) را در بر می‌گیرد. این دوره به دلیل افزایش اقتدار وزرا و تقسیم وظایف اداری، دارای یک نظام توسعه یافته و پیچیده‌ی سیاسی است. تلفیق این دو بخش را می‌توان این‌گونه در نهادهای ذیرپط ترسیم نمود:

۱. نهاد امامت؛

۲. نهاد دعوت؛

۳. نهاد قضاؤت؛

۴. نهاد وزارت؛

## ۴ - ۱. بخش دیوانی:

## ۴ - ۲. بخش نظامی.

اگر چه دستگاه اداری فوق العاده متمرکز فاطمیان در دوره‌ی نخست خلافت مصر، چندان پیچیدگی نداشت، اما هرگز نباید آنچه را که این کلیس و دستیارانش برای خلفای فاطمی به پادگار نهادند، فراموش کرد؛<sup>۱۲</sup> زیرا تلاش‌های آنان سبب پیروزی اساس تشکیلات اداری و مالی فاطمیان در دوره‌های بعدی شد. مؤسسات و نهادهای وابسته به آنان در طی حکومت فاطمیان توسعه یافت. بسیاری از این مؤسسات به تقلید از عیاسیان بنیان نهاده شدند و آن دسته نیز که پیش‌تر ایجاد شده بودند، اصلاح گردیده و یا مورد تجدید نظر قرار گرفتند. دستگاه اداری که در دوره‌ی نخست خلافت فاطمیان مصر، در دارالخلافه یا قصر خلیفه قرار داشت، در دوره‌ی دوم به بیرون از قصر منتقل و از طریق نظام و ساختار دیوانی متمرکزی اداره شد.

از ابتکارات اصیل دولت فاطمی تأسیس نهاد دعوت بود.<sup>۱۳</sup> نهادی که وظیفه‌ی عمدی تبلیغ و تبشير و تعلیم کیش اسماععیلیه را بر عهده داشت و تعلیم نوکیشان و افزایش جماعت مستحبیان را در سرلوحه‌ی کار خود قرار داده بود و با ارتیاط تنگاتنگ میان نوکیشان و مستحبیان از یک سو و سطوح عالی دعوت تا امام خلیفه‌ی فاطمی از دیگر سو، نقشی کلیدی در اشاعه‌ی آئین اسماععیلیه بر عهده داشت. این روند در عصر خلافت المستنصر بالله (۴۷۷ - ۴۸۷ق)، به دلیل وجود وزیری کارآمد و صاحب درایت چون امیر الجیوش بدر الجمالی (م ۴۸۷ق)، به اوج خود رسید. دستگاه وزارت که تا پیش از این تنها یک واسطه بشمار می‌آمد،<sup>۱۴</sup> اکنون از اهمیتی فوق العاده برخوردار شده بود و ضمن نزدیکی به جایگاه خلافت، مکانتی ویژه یافت، تا جایی که در برخی موارد نیز از موقعیت وزارت پیشی گرفت و با گرفتن القابی پر مسمی، به عنوان بالاترین مقام قضائی و دینی فاطمیان، مرجع امور شد<sup>۱۵</sup> و با اخذ لقب وزیر السیف والقلم، اختیارات کامل سیاسی - نظامی به او تفویض گردید که تا پیش از این، هرگز سابقه نداشت. از این پس، وزیر ضمن دارا بودن بالاترین منصب نظامی و اداری، سایر

مناصب دینی و قضایی و سایر مناصب تابعه را نیز اداره می‌کرد. کنترل ارتش، دستگاه اداری، دادگستری و مؤسسات تبلیغاتی، همگی در حیطه‌ی اختیارات وزیر قرار گرفت. اما در سایر موارد پیش از این کماکان وضعیت سایر نهادها مشابه بود و همگی متأثر از مذهب اسماعیلیه، تابع تام و تمام نهاد امامت بودند.

### پیامدهای رسمی شدن مذهب اسماعیلیه

با توجه به اهمیت تأثیرات متعدد سابق الذکر، لازم است تا کارکردها و پیامدهای عمله‌ی رسمی شدن مذهب اسماعیلیه را نیز مورد مطالعه قرار داد، تا به یک نتیجه‌ی نهایی نایل آمد. با این توضیح می‌توان این پیامدها را در دو بخش کلی مورد توجه قرار داد:

۱. پیامدهای روانشناسختی؛
۲. پیامدهای اجتماعی.<sup>۱۶</sup>

هرچند به دلیل آمیختگی موضوعی میان این دو، در مواردی تفکیک آنها به دشواری امکان پذیر است؛ لیکن تلاش خواهد شد این تقسیم بندی به گونه‌ای صورت گیرد تا بتواند همه‌ی موارد مورد نظر را شامل شود. بدین ترتیب می‌توان زیر مجموعه‌های هر بخش را این چنین شرح داد:

#### الف) پیامدهای روانشناسختی

۱. مذهب اسماعیلیه به عنوان مقوم وجودان فردی، که خود گونه‌ای کنترل شخصی است؛
۲. کمک به توجیه وضع موجود؛
۳. کمک به پذیرش نامطلوبهایی مثل فقر، نابرابری و یا حتی پلایای طبیعی؛
۴. ایجاد احساس امنیت در سایه‌ی حاکمیت دینی.

ناگفته پیداست که یکی از مهم‌ترین پیامدهای حکومت دینی به طور اعم و رسمی شدن مذهب

اسماعیلیه بطور اخص، ایجاد وحدت اجتماعی بود؛ زیرا دین از طریق ایجاد و طرح ارزش‌های مشترک می‌تواند بر اعتقادات و اندیشه‌های مردمی، تأثیرگذارد و با سیطره‌ی کامل بر فرد، به تمدنی و خواسته‌های او سمت و سو دهد و به گونه‌ای کنترل شخصی، جامه‌ی عمل بپوشاند و علایق افراد جامعه را به هم نزدیک کرده و نیازهای آنها را پاسخ گوید و تعامی نهادهای اجتماعی را تحت سیطره‌ی کانون دین در آورد. و بدین گونه از راه تحریک و جذب جمعی، به عنوان الگویی متفن، رفتار مردم را هدایت کرده و به طور کلی وفاقي ارزشی میان بخش‌های مختلف پدید آورد و در نهایت همه را به سمت اهداف دینی اسماعیلیه سوق دهد.

در اینجا اشاره به تئوری ماکس وبر، ضروری به نظر می‌رسد که بیانگر این است که الهامات پیامبرانه یک مذهب می‌تواند به صورت شیوه‌ی زندگی یک گروه اجتماعی مشخص در آید و سپس به جهان بینی عمدتی یک تمدن تبدیل شود. برای نمونه آب و هوای گرم و خشک مصر و طفیان‌های دائمی رود نیل و خشک‌سالی‌های پی در پی، شرایط بد زندگی را در این سرزمین فراهم آورده بود.<sup>۱۷</sup> متأثر از این گونه‌ی آب و هوایی، همواره بیماری‌های گوناگون فصلی و یا قحطی مردم این سرزمین را تهدید می‌کرد.<sup>۱۸</sup> با این توصیف در بسیاری از دوره‌های تاریخی، این شرایط دشوار زندگی، بر مشکلات سیاسی و اجتماعی مزید شده و اسباب سقوط حکومتی را فراهم آورده بود. برای نمونه در واپسین روزهای اخشیدیان، آنچه توانست ضربه‌ی نهایی را بر پیکره‌ی آنان وارد آورد، نارضایتی مردم از شرایط سخت زندگی و خشک‌سالی عارض شده‌ای بود که حکومت وقت به دلیل درگیری‌های داخلی و خارجی از پاسخ گفتن به نیاز اقتصادی مردم و رفع مشکلات آنان غافل مانده بود.<sup>۱۹</sup> همین عامل موجبات نارضایتی را در سطح عمومی پدید آورد و دعوت فاطمیان از سوی مصریان بی‌ثمر نماند. از این رو حکومت دینی فاطمیان مبتنی بر کیش اسماعیلیه و کاریزماتی ذاتی امام خلیفه‌ی آن، می‌توانست در ایجاد ثبات و آرامش و استقامت مردم در برابر مشکلات مؤثر باشد. از سویی با ابزارهای دینی به توجیه وضع موجود پرداخته و همه‌ی مشکلات و مصایب طبیعی را به

عنوان امتحان و یا خواست الهی مطرح نماید و مردم را منفعت‌لنه به آرامش دعوت کند. اثبات این ادعا با مشاهده‌ی آرامش نسبی مردم به رغم وقوع بلایای طبیعی و خشکسالی‌های متواتی مصر در دوره‌ی فاطمیان، آسان‌تر می‌نماید.<sup>۲۰</sup>

یکی دیگر از کارکردهای حاکمیت دینی اسماعیلیه و امامان فاطمی، وعده اصلاح پدیده‌های نامطلوب اجتماعی چون فقر و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی بود که می‌توانست با ایزارهای دینی پاسخ گفته شود. نخستین پیام خلیفه‌ی فاطمی المعز به رنج دیدگان مصری، ایجاد عدالت و گسترش عدل الهی بود.<sup>۲۱</sup> شعارهای تساوی جویانه با آمدن مهدی موعود محقق می‌شد.<sup>۲۲</sup> پس امامان برق و اراثان نبوت آن هم از اهل بیت پیامبر گرامی اسلام(ص) در التیام زخم‌های عمیق مردم می‌توانست مؤثر باشد.

گرفتن نام مهدی و سردادن شعارهای مهدویت، وسیله‌ای دو منظوره بود تا هم مساوات طلبان را بر گرد خوبش جمع آورند و هم به انگیزه‌های حق‌طلبی و نوید بخشی فاطمیان، جامه‌ی عمل پوشانند. در این میان نامطلوب‌های طبیعی و اجتماعی چون فقر نیز وجود داشت که تا حدودی حل آن بسیار دشوار می‌نمود. پس در ساحت دین، این دشواری‌ها و نامطلوب‌ها به گونه‌ای توجیه و تفسیر می‌شد که مصیبت‌زدگان از خود بی‌خود نشده و آن را نیز به عنوان امتحان الهی پذیرند.

در این میان حاکمیت دینی اسماعیلیه به رهبری امام خلیفه‌ی فاطمی از سلاله پیامبر اکرم(ص)، می‌توانست در ایجاد احساس امنیت و گسترش حس مشارکت و اطمینان به صاحبان قدرت، بسیار مفید بوده و حتی در تبیین امتحان الهی نیز تعیین کننده باشد. سلطه‌ی دینی امام فاطمی و حاکمیت تنوکراتیک او، گونه‌ای آرامش الهی را پدید می‌آورد. نگاه متبدانه‌ی پیروان به رهبری و گوش جان سپردن به فرامین او نیز گونه‌ای امنیت و احساس آرامش توأم با رضای الهی را دارا بود. با این توضیح حاکمیت امامان فاطمی، حاکمیتی موفق می‌نمود.

### ب) پیامدهای اجتماعی

در یک بررسی کلی از وضعیت عمومی حکومت فاطمیان، می‌توان کارکردها و پیامدهای اجتماعی رسمی شدن مذهب اسماععیلیه را به بخش‌های ذیل دسته‌بندی کرد:

۱. مذهب اسماععیلیه به عنوان نیروی در خدمت جامعه پذیر کردن مردم؛
۲. استفاده از نهادهای اجتماعی به عنوان وسیله‌ای برای تغییر رفتار افراد جامعه؛
۳. بنا کردن مجموعه‌ای بزرگ و جا افتدۀ از مراکز دینی و تعلیمی برای نهادینه کردن مذهب؛
۴. ایجاد زمینه برای آموزش و تعلیم افراد جامعه به منظور ایجاد وابستگی دینی؛
۵. تحکیم پیوند و انسجام و همبستگی گروهی و ایجاد زمینه‌های وحدت؛
۶. استفاده از مجموعه‌ای از مراسم مذهبی مشترک، به منظور تقویت همبستگی گروهی؛
۷. تلاش در جهت بهبود شرایط زندگی مردم؛
۸. پر کردن شکاف‌های موجود میان مردم و رهبر کاریزمایی؛
۹. پر کردن خلاً میان ادعا و عمل رهبر کاریزمایی.

مذهب اسماععیلیه با کارکردی دینی به عنوان نیرویی محرک می‌توانست به جامعه پذیر کردن مردم، کمک شایان توجهی نموده و در تغییر رفتار افراد به سمت تحقق اهداف سیاسی و دینی فاطمیان مؤثر باشد. از این رو نظام دینی اسماععیلیه می‌توانست به ایجاد کانون‌ها و نهادهای مذهبی و بنا نمودن مجموعه‌ای بزرگ و جا افتدۀ از مراکز دینی و تعلیمی، چون جامع الازهر و دارالعلوم، ضمن پاسخ‌گویی به سوالات اساسی مردم، در تحکیم جایگاه دینی و سیاسی اسماععیلیان و مهم‌تر از آن برای نهادینه کردن مذهب بکوشد. در این راه آنچه می‌توانست در کسب نتیجه‌ی مطلوب‌تر مؤثر باشد، برپایی مراسم و مناسک مشترک دینی بود که در موقع مختلف اعیاد و یا سوگواری محروم و حتی مراسم درباری ویژه‌ی خلفاء، اجرا می‌شد.<sup>۴۲</sup> این مراسم به نوبه‌ی خود می‌توانست به تحکیم پیوند و انسجام و همبستگی گروهی و ایجاد زمینه‌های وحدت میان مردم بسیار جامد. مقریزی در

فصلی مجزا، فهرستی مفصل از اعیاد و مراسم ویژه‌ی فاطمیان را نام برده است<sup>۲۵</sup> که هر یک به نوبه‌ی خود می‌توانست در تحکیم بنیاد مذهبی جامعه، مؤثر باشد. بنابراین در سایه‌ی سلطه‌ی دینی حاکمیت امامان فاطمی و رعایت سلسله مراتب مذهبی کیش اسماعیلیه، جامعه‌ی مصری که مدت‌ها از بی‌نظمی و هرج و مرج و بی‌ثباتی اقتصادی، رنج می‌برد<sup>۲۶</sup> به یک نظام اخلاقی و اجتماعی و حتی سیاسی دست یافت.

اقتصاد پیشرو و تجارت بالنده و پر منفعت، وسیله‌ای برای تبلیغ دعوت فاطمی بود که به شدت تشویق می‌شد. مصر به عنوان مرکز بزرگ معاملات مال التجاره‌ی شرق و غرب عالم اسلامی، نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در ایجاد توسعه‌ی اقتصادی در این عصر داشت. شکوه و جلال دربار فاطمی، به سبب رونق صنعت، فزونی یافت و بسیاری از دست‌ساخته‌های مراکز فعال اقتصادی، چون تنیس، دمیاط و اسکندریه<sup>۲۷</sup> به دورترین نقاط صادر می‌شد. زربافت‌های اسکندریه و حریر و پارچه‌های رنگارنگ قاهره، سود سرشاری را برای دولت فاطمی به همراه داشت. این همه شکوفایی، حکایت از هماهنگی و سازماندهی کامل قوای اداری، لشکری و نهاد دینی تحت زعامت امام فاطمی داشت. گزارش سیاحان و جغرافی نگاران این عصر در وصف زیبایی‌های دربار فاطمی و نیز کیفیت پارچه‌ها و تزیینات موجود در انبارهای قصر، تصویری از صنعت بافتگی این سرزمین ارائه می‌دهد.

بی‌شک آنچه توانست به توسعه‌ی اقتصادی مصر فاطمی کمک کند، سیاست اقتصادی و تجارت پر منفعت فاطمیان بود. بخشندگی خلفا، نشان از رونق اقتصادی دربار فاطمیان و انشائتگی خزانه‌ی حکومتی داشت. همین سیاست خاص، موجب شد تا همه‌ی بخش‌های اقتصادی مصر، کار و سفارش امام فاطمی را با میل و رغبت انجام دهند.<sup>۲۸</sup>

عدالت، سخاوت و توجه امام فاطمی به معیشت صنعت‌گران، زمینه‌ی رفاه عمومی را فراهم آورد و همین خود مشوق هنرمندان و مبدعان این عصر بود تا آنان آثار متعدد و بدیعی را از خود برجای نهند. معماری، شهرسازی و تجهیزات و تزیینات متعلق به قصرهای خلیفه و دولتمردان بلند پایه،

موجب شگفتی سیاحان و مورخان معاصر فاطمیان شده است که از قاهره و شهرها و بنادر بزرگ مصر دیدن کرده‌اند. برای نمونه دیده‌های ناصر خسرو قبادیانی که شوق دیدار امام فاطمی به مصر رهنمونش کرده بود، گویای دولتی موفق، مردمی مرفه و سلطانی عادل و کریم بود که مردمان در سایه‌ی حکومت او در آسایش و نعمت به سر می‌بردند.

شایان ذکر است یکی دیگر از اقدامات فاطمیان در راه ترویج کیش اسماعیلیه، تأسیس نهادهای تعلیمی بود، که ساخت و تجهیز این‌گونه اماکن عام المنفعه در دستور کار فاطمیان قرار داشت. به دلیل اهمیت والای تعلیم و تربیت در آموزه‌های اسماعیلیه، هرگز تشکیل حکومت در مصر، آنان را از امر دعوت باز نداشت؛ بلکه با عزمی جزم نهادهای علمی چند منظوره‌ای را در مصر پی‌ریزی کردند. در این میان یکی از مهم‌ترین عواملی که به گسترش مذهب اسماعیلیه کمک قابل توجهی کرد، بنای مسجد الازهر بود که اندکی بعد از فتح مصر، در جمادی الاول سال ۳۵۹ قمری شالوده‌ی بنای آن نهاده شد و با تلاش و پی‌گیری، پس از دو سال و اندر اتمام یافت. البته در فرایند تکمیل آن، همه‌ی خلفای فاطمی نقش مهمی ایفا کردند. برای نمونه العزیز بالله (۳۶۵ - ۴۸۳ق) مرکز علمی مهمی را به آن افزود که پذیرای طالبان علم از نقاط دور بود. این بنای عظیم اسلامی به عنوان یکی از نهادهای بزرگ علمی و مذهبی و کانون معنوی و عقلانی جهان اسلام، نقش مهم و قاطعی در رواج و گسترش کیش اسماعیلیه داشت.

اهتمام خاص علمای فاطمی در راهاندازی مجالس وعظ و خطابه و یا حلقه‌های علمی جامع الازهر، موجب شد تا این مرکز در مدت زمانی کوتاه مکانت علمی خود را یافته و کانون توجه دانشجویان و علمای وقت گردد.

## پی نوشت ها:

۱. عبد الرحمن بن محمد بن عثمان، السيوطي، حسن المحاضرة، ج ۲، ص ۲۰.
۲. تقى الدين احمد بن على، المقرىزى، المواقع والاعتبار بذكر الخطوط والآثار، ج ۲، ص ۱۸۰؛  
جمال الدين على بن ظافر، أخبار الدول المتقطعة، ص ۲۲.
۳. أمين محمد طلبيع، أصل الموحدون الدروز وأصولهم، ص ۵۲.
۴. همان، ص ۵۴-۵۵.
۵. المقرىزى، همان، ج ۱، ص ۱۰۳.
۶. بر این اصل در بیشتر کتاب های فقهی و کلامی اسماعیلیه و حتی منابع تاریخی این دوره تأکید شده است.
۷. ابن الطویر، نزهة المقلتین، ص ۲۴۰-۲۲۳، ۲۱۶-۱۷۷-۲۲۴ و ... .
8. Paul E. Walker, Fatimid Institution of Learning, 1997, Journal of the American Research Center in Egypt, 34, 99179-200.
۹. بیینید کتاب القاضی النعمان، المجالس والمسایرات و یا کتاب المجالس المزیدیه نوشتهی المزید فی الدین شیرازی که سراسر حکایت از مجالس تعلیمی داعیان اسماعیلی دارد.
۱۰. القاضی النعمان، همان، ص ۱۱۶-۱۶۸-۱۶۹.
۱۱. الكرمانی، راحة العقل، ص ۲۵۱-۲۵۲.
۱۲. ل. سیمینوفا، تاریخ مصر الفاطمیة، ص ۶۶-۷۰-۷۶.
۱۳. المقریزی، همان، ج ۲، ص ۲۶۰.
۱۴. القلقشندي، صبح الاعشى، ج ۹، ص ۴۲؛ الماوردي، الاحکام السلطانية، ص ۲۷.
۱۵. المقریزی، همان، ج ۲، ص ۳۴۶.
۱۶. این الگویی است که در سلر در بررسی کارکرد دینی ارائه داده است برای اطلاع بیشتر بیینید:

Dressler, David. Sociology, Third edithion 1967. New York Alfred A. Knof,Hall, PP. 316-322.

١٧. ابن دقمق، *الجوهر الشمین*، ص ٢١٠.
١٨. احمد السيد الصاوي، *مجاولات مصر الفاطمية اسباب ونتائج*، ص ٣٠.
١٩. ابن زولاق، *تاريخ مصر وفضائلها*، ص ٧٨؛ *النجوم الزاهرة*، ج ٤، ص ٩؛ *فلكشندي*، ص ٦٣،  
الاعشى، ج ٣، ص ٣٩٣.
٢٠. عبد المنعم ماجد، *ظهور خلافة الفاطميين وسقوطها*، ص ٣٦٦ - ٣٦٧.
٢١. ابن ميسير، *أخبار مصر*، ص ٤٣ - ٤٤.
٢٢. القاضي النعمان، *شرح الاخبار*، ج ٣، ص ٣٥٣ - ٣٥٨.
٢٣. القاضي النعمان، *افتتاح الدعوة*، ص ٦٦؛ همو، *شرح الاخبار*، ج ٣، ص ٣٩٠.
٢٤. ابن مأمون البطائحي، *نصوص من اخبار مصر*، ص ٨١ - ٨٥؛ المقريزى، همان، ج ٢، ص ٤٣٦.
٢٥. المقريزى، همان، ج ٢، ص ٤٣٦ - ٤٤٥.
٢٦. ابن زولاق، همان، ص ٧٦ - ٧٨؛ ابن دقمق، همان، ص ٢٠٠.
٢٧. ناصر خسرو، *سفرنامه*، ص ٦٤ - ٦٥.
٢٨. همان، ص ٦٥.

#### منابع:

- ابن تغري بردى الاتابكي، جمال الدين ابن المحاسن يوسف، *النجوم الزاهرة في ملوك مصر والقاهرة* (وزارة الثقافة والارشاد القومي، المؤسسة المصرية العامة للتأليف والترجمة والطباعة والنشر، بي تا).
- ابن دقمق، ابراهيم بن محمد، *الجوهر الشمین في سير الخلفاء والملوك والسلطانين*، تحقيق سعيد عبدالفتاح عاشور، مراجعه احمد السيد دراج (المملكة العربية السعودية، مركز البحث العلمي، بي تا).
- ابن زولاق، *تاريخ مصر وفضائلها*، تحقيق دكتور على عمر (مكتبة الثقافية الدينية، ٢٠٠٢).
- ابن الطوير، ابو محمد المرتضى عبد السلام بن الحسن القيسراني، *نرفة المقلتين في اخبار*

- الدولتين، اعاد بنائه و حققه و قدم له ايمان فواد سيد (بيروت، دارالنشر فرانتس شتاينز ستونغارت، دار صادر، ١٩٩٢).
- ابن ظافر، جمال الدين على، اخبار الدول المنقطعة، مقدمه و تعقيب اندريه فرييه (القاهرة، مطبوعات المعهد العلمي الفرنسي للأثار الشرقية، ١٩٧٢).
- ابن مأمون البطائحي، امير جمال الدين ابو على موسى، نصوص من اخبار مصر، تحقيق ايمان فواد سيد (القاهرة، المعهد العلمي الفرنسي للأثار، بي تا).
- ابن ميسير، محمد بن يوسف بن جلب، اخبار مصر، اعنى بتصحيحه هنرى ماسيه (القاهرة، مطبعة المعهد العلمي الفرنسي، ١٩١٩).
- امين، محمد طلبي، اصل الموحدون الدروز واصولهم، قدمه محمد ابوشقر اعرفه مارون عبود (بيروت، دارالاندلس ومكتبة البستانى، ٢٠٠١).
- السيد الصاوي، احمد، مجاعات مصر الفاطمية اسباب ونتائج (بيروت، دار التضامن، ١٩٨٨).
- سيميون فا، لـ، تاريخ مصر الفاطمية، ترجمه و تحقيق حسن بيومى (بي جا، المجلس الاعلى للثقافة، ٢٠٠١).
- السيوطي، عبد الرحمن بن محمد بن عثمان، حسن المحاضرة في اخبار مصر والقاهرة، وضع حواشيه خليل المنصور (بيروت، منشورات محمد على بيضون، دار الكتب العلمية، ١٩٩٧).
- الشيرازي، المؤيد في الدين هبة الله، المجالس المؤيدية، تحقيق و تقديم مصطفى غالب (بيروت، دارالاندلس، بي تا).
- التميمي المغربي، القاضي النعمان بن محمد، شرح الاخبار في فضائل النبي المختار وآل الاخيار من الائمه الاطهار عليهم السلام (بيروت، منشورات دارالثقفين، ١٩٩٤).
- افتتاح الدعوة (بيروت، دارالاضواء، ١٩٩٦).
- المجالس والمسايرات، تحقيق الحبيب الفقى وابراهيم شيوخ و محمد العلاوى (التونس، مطبعة الرسمية للجمهورية التونسية، ١٩٧٨).
- قباديانى، حميد الدين ناصر خسرو، سفرنامه، به کوشش محمد دیر سیاقی (تهران، کتابفروشی

زوار، ١٣٥٧ش).

- القلقشندي، احمد بن على، صبح الاعشى وصناعة الاشنا، شرح وعلقه عليه وقابل نصوصه محمد حسين شمس الدين، (بيروت، دار الفكر، بي تا).
- الكرمانى، حميد الدين، راحة العقل، تقديم و تحقيق مصطفى غالب (بيروت، دار الاندلس، ١٩٨٣).
- ماجد، عبدالمنعم، ظهور خلافة الفاطميين وسقوطها في مصر التاريخ السياسي (الاسكندرية، دار المعارف بمصر، ١٩٧٦).
- الماوردي، ابى الحسن على بن محمد، الاحكام السلطانية (بيروت، دار الفكر، بي تا).
- المقريزى، تقى الدين احمد بن على، الموعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، وضع حواشيه خليل المنصور (بيروت، منشورات محمد على بيضون، دار الكتب العلمية، ١٩٩٨).